روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۰ خرداد ۱۳۹۵ • ۳ رمضان ۱۴۳۷ • ۹ ژوئن ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۰۳ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۴۰ • اذان صبح‌فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

کارگران معدن بافق هم حکم گرفتند:

بیمه شلاقی

● **پوریا عالمی:** سوفیای عزیزم. یک چیزی بگویم برای شما جوک است برای ما خاطره. یعنی سر این شلاق‌زدن کارگران آق‌دره بود؟ که همه گفتند ای وای... کارگر که زدن ندارد، او را زندگی زده است... وزیر هم بعد از یک هفته یک مدیر را از کار برکنار کرد، یادت هست؟ فکر می‌کنی این چیزها برای ما شد نان؟ فکر می‌کنی دردش خوب شد؟ دردش خوب شود فکر می‌کنی جاش خوب می‌شود؟ بعد هم بابای ما همیشه می‌گفت آدم باید جلو خودش را بگیرد چون اگر جلو خودش را نگیرد و چیزی از زبانش در رفت، دیگر قبحش ریخته. مثل همین شلاق‌زدن کارگران. فکر می‌کنی تمام شد؟ به‌خدا که نشد. من به‌عنوان میدون تو، تا آق‌دره رفته بودم دنبال کار و به‌عنوان دستمزد در آق‌دره شلاق خوردم و بعدش دنبال کار رفتم معدن بافق. که همین دیروز کارگران معدن بافق هم به شلاق محکوم شدند، تنها فرقش این است که شلاق آنها را زدند شلاق اینها را نزدند.

سوفیا، عشق من... قبلا را نمی‌دانم ولی الان قرارداد کارگر را طوری می‌نویسند که تا عرق کارگر خشک نشده، قراردادش تمام شود. بعد هم اگر حق‌وحقوقش را بخواهد قصه می‌شود. سوفیا من چه‌کار کنم؟ با چه رویی برگردم پیش تو؟ با این دست‌های خالی و پشت خط‌خطی؟ قبلا حساب کارگر را روی یخ می‌نوشتند الان با خط شلاق پشتش.

به قول شاعر، بچه‌ها شوخی‌شوخی به قورباغه‌ها سنگ می‌زدند، قورباغه‌ها جدی‌جدی می‌مردند... سوفیا من دوستت دارم و معدن‌به‌معدن می‌روم و کارگری می‌کنم و کتک می‌خورم تا به تو برسم... ولی سوفیا تو جوانی، حیفی... با این اوضاع که من می‌بینم اگر تو الان ازدواج کنی و زود بچه‌دار شوی، ۲۰ سال دیگر شاید مشکل کار حل شده باشد و جای شلاق‌های کارگران هم خوب شده باشد بعد من شده ۵۰ سالم و تازه شغل پیدا کرده‌ام و اگر تو موافق باشی من آن‌موقع بیایم خواستگاری بچه‌ات که سن الان تو خواهد بود. سوفیا نخندی‌ها، گریه نکنی‌ها، راستش را می‌گویم. شلاق زمان بی‌رحم‌تر و سخت‌تر و مؤثرتر از شلاق‌های دیگر است و دارد فاصله بزرگی بین دوست‌داشتن ما می‌اندازد. گفتم که این چیزها برای شما جوک است برای ما خاطره... برای ما خطر.

فقط کاش بیمه طوری می‌شد که شلاق را هم حساب می‌کرد با آدم. یعنی واقعا الان نیاز داریم به یک بیمه شلاقی.

چشم زحمتکشم کف پای جوانی‌ات؛ میدون دوم.

کارتون خواب

مهدی عزیزی

آینه‌های روبه‌رو

تحلیل عباس عبدی از حضور دهه هشتادی‌ها در یک مجتمع

نبود تجمع به معنی فقدان مطالبه نیست

مهسا علی‌بیگی: هنوز معلوم نیست جرقه برگزاری میتینگ نوجوانان دهه هشتادی چطور زده شد؟ اما آنچه معلوم است اینکه این نوجوانان توانستند دوهزار نفر را در یکی از پررفت‌وآمدترین اتوبان‌های تهران و جلو یک مجتمع تجاری دور هم جمع کنند؛ به‌طوری‌که مجتمع بسته و رفت‌وآمد در اتوبان برای ساعتی مختل شد؛ اتفاقی که از نظر «عباس عبدی»، تحلیلگر اجتماعی-سیاسی، باید از آن استقبال شود.

واکنش‌های زیادی به برگزاری میتینگ نوجوانان ابراز شد. برخی نگران قدرت آنها هستند و برخی حرکتشان را نشان آگاهی از حقوق مدنی‌شان می‌دانند. شما کدام‌یک از این نظرات را قبول دارید؟

ابتدا عرض کنم اظهارنظر دقیق درباره این‌گونه پدیده‌هایی که از پیش تصوری از آن نداشته‌ایم نیازمند گذر زمان و دستیابی به داده‌های بیشتر است. به نظرم از هر دو وجه می‌توان این اتفاق را تحلیل کرد. در این اتفاق یک نکته مهم وجود دارد و آن وجود ظرفیت مناسب برای سرمایه اجتماعی است که در جریان این میتینگ دور هم جمع شده‌اند. سرمایه اجتماعی از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر در جهان مورد توجه بیشتری بوده و حساسیت بسیاری نسبت به آن پیدا کرده‌اند. داشتن این نوع مشارکت‌ها و ارتباطات به‌شکلی که یک مجموعه از افراد بتوانند دور هم جمع شوند برای هر کشوری سرمایه است. کشورهایی که از چنین سرمایه اجتماعی‌ای بهره‌مند هستند می‌توانند از آن در امور مثبت استفاده کنند. اما اینکه از نظر برخی‌ها حساسیت منفی نسبت به این موضوع وجود دارد دلیلش این است که ما با نوعی فقدان اعتمادبه‌نفس در ساخت رسمی روبه‌رو هستیم که به هر ظرفیتی با بدگمانی نگاه می‌کنند. درصورتی‌که اگر چنین اعتمادبه‌نفسی وجود داشته باشد از این اتفاقات استقبال و تلاش می‌شود از ظرفیت چنین اتفاقاتی در امور مثبت استفاده کنند.

چطور می‌شود از چنین جمع‌های اتفاقی‌ای استقبال کرد؟ چراکه کار به زدوخورد و فحاشی کشید.

ببینید این افراد به این دلیل که نمی‌توانستند جای دیگر و حول محور اشتراکات، مطالبات و خواسته‌هایشان دور هم جمع شوند و جای چنین تجمعاتی در جامعه ما خالی است، بر سر یک موضوع خیلی ساده و غیرمهم مثل اینکه همه آنها متولد یک دوره زمانی هستند، دور هم جمع شدند. چیزی که مقامات باید به آن توجه داشته باشند اتفاقا همین است که اگر گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه نتوانند فرصت‌هایی برای دور هم یا یکی بودن داشته باشند، با انگیزه‌های دیگر که ممکن است از نظر ما مهم نباشد یا حتی توخالی به نظر برسد، تجمع می‌کنند. چراکه نیاز و مطالبه اصلی، ارتباط است که در جامعه ما پاسخ داده نمی‌شود و در نتیجه این نیاز خودش را به شکلی نشان می‌دهد که برای ما و نسل‌های بزرگ‌تر باورکردنی نیست. اتفاقا این نشان‌دهنده نوعی ضعف و ناکارآمدی در جامعه است. همیشه می‌گوییم در کشور ما نتیجه انتخابات غیرقابل‌پیش‌بینی است. درصورتی‌که اگر اجازه دهیم گروه‌های مختلف مردم بتوانند مطالباتشان را بروز دهند، انتخاباتشان هم قابل‌پیش‌بینی می‌شود. بحث این است اگر جایی که باید امکان طرح مطالبه و پیگیری آن را داشت اجازه داده نشود؛ اتفاقی که انتظارش را نداریم در جای دیگری رخ می‌دهد.

عاملان این اتفاق نوجوانان بوده‌اند. چرا نوجوانان؟

این قشر از جامعه به‌دنبال نوعی هویت و بروز شخصی هستند. البته همه گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه چنین نیازی دارند ولی این قشر چون جای دیگری ندارد تا این هویت و بروز شخصی را اعمال کند، به تجمع و گردهمایی به این شکل روی خوش نشان می‌دهد. البته ممکن است گفته شود دوهزار نفر تعداد زیادی نیست ولی فراموش نکنیم اینها مشت نمونه خروار است.

یکی دیگر از واکنش‌ها به محل قرار بود. برخی این مکان را نماد تغییر مطالبات مردم در طول دهه‌های مختلف می‌دانستند و می‌گفتند نوجوانان دیروز یا دهه شصتی‌ها قرارهایشان را در میدان آزادی می‌گذاشتند و امروزی‌ها در مجتمع تجاری.

بیایید یک‌جور دیگر این قضیه را ببینیم. به نظر شما اگر این قرار در میدان آزادی گذاشته می‌شد، کسی می‌رفت؟ آیا خود دهه شصتی‌ها می‌رفتند؟ قرار میدان آزادی غالبا متناسب با موضوعی سیاسی اتفاق می‌افتد. اما اتفاقا وقتی تجمع با محتوای یک امر روزمره باشد، بهترین جا همین مراکز خرید (شاپینگ) عمومی است. حتما می‌دانید که به‌طورکلی بسیاری از کسانی که در مجتمع‌های چندمنظوره تجاری حضور پیدا می‌کنند لزوما مشتری نیستند و برای خرید نیامده‌اند بلکه برای گذران وقت و پرکردن اوقات فراغت مغازه‌گردی یا گردشگری مغازه‌ای! (شاپینگ) را انتخاب کرده‌اند. این نوجوانان هم به‌دنبال بروز خود با استفاده از اوقات فراغتشان بوده‌اند. البته در پارک هم می‌توانستند این قرار را بگذارند ولی شاید تجربه‌های خوبی از جمع‌شدن در پارک وجود ندارد. تجمع‌کردن و قرارگذاشتن در مجتمع‌های چندمنظوره تجاری مرتبط با زندگی روزمره مردم است. اما آنچه شما در پرسش خود گفتید هم یک تفسیر از این موضوع است که بر واقعیت بار شده است.

پیشنهاد

می‌خواهم زنده بمانم

شهرزاد همتی: قصه همه ما، از یک تلفن شروع می‌شود: «مخاطب گرامی، این تماس از ندامتگاه شهرری و توسط زندانی انجام می‌گیرد...»، بعد یک صدای خسته و آرام که انگار از ته چاه درمی‌آید، در میان هیاهو و شلوغی بند زنان از تو طلب کمک می‌کند. درست بعد از ثبت مکالمه آن چیزی که مهم است «زندگی» است و «نفس‌کشیدن»... ارتکاب جرم، ارتکاب قتل، مشارکت در قتل...، اینها بخشی از جرائمی است که زنان را در زندان قرچک محبوس می‌کند؛ اما آنچه مهم است، نداشتن زندگی عادی در هیچ‌کدام از برهه‌های زندگی‌شان است. آدم‌هایی که زندگی‌شان همیشه نصفه و نیمه بوده و شرایط عادی‌شان در سالن‌های ملاقات زندان رقم می‌خورد. تمام اینها نمی‌تواند ارتکاب بزه را توجیه کند؛ اما وقتی کسی به تو زنگ می‌زند و می‌گوید فقط یک ماه تا چوبه دار فاصله دارم، چیزی در میان قلبت تا ابد آویزان می‌ماند... درست بعد از آن ارتباط تلفنی که اپراتور خونسرد زندان به تو تأکید می‌کند: «مخاطب گرامی این تماس از ندامتگاه شهرری و توسط زندانی انجام می‌گیرد...» آرام و قرار تمام می‌شود. بعد با پوشیدن کفش‌های آهنی دنبال راه‌حلی برای بخشیده‌شدن می‌گردی...، حالا با کمک انجمن حمایت از زندانیان مرکز و در همان ساختمان نوساز و غمگین خیابان سنایی، گلریزانی برای چند زندانی محبوس در زندان قرچک و دیگر زندان‌ها برگزار می‌کنند. گلریزان را سینمای هنر و تجربه و انجمن حمایت از زندانیان مرکز به کمک عوامل فیلم «چهارشنبه» به تهیه‌کنندگی یوسف وجدان‌دوست برگزار می‌کنند. آنها جمعه ۲۱ خرداد، در پردیس سینمایی کورش منتظر آمدنتان هستند. چشم به راهشان نگذارید.

گزارش فردا

کوروش یغمایی در گفت‌وگو با «شرق» از انتشار آلبومش گفت

انتشار «ملک جمشید» توسط یک شرکت آمریکایی

سعید برآبادی: صبح جمعه آخرین آلبوم کوروش یغمایی نه توسط شرکت‌های داخلی، بلکه از سوی یک شرکت آمریکایی قدرقدرت در حوزه انتشار موسیقی، منتشر خواهد شد. انگار بخت یار ایرانی‌ها نبود که اثرِ هنرمند خود را مستقیم از مراکز مجاز فروش موسیقی تهیه کنند چراکه آن‌طور که کوروش یغمایی به «شرق» می‌گوید، شرکت آمریکایی Now-Again Records قرار است آلبوم این استاد موسیقی راک را صبح جمعه در سراسر جهان به‌جز ایران، توزیع کند. نکته غم‌انگیز اینجاست که تمام اشعار این آلبوم به زبان فارسی هستند و نامش، یعنی «ملک جمشید» یادآور اثر بزرگ و ملی ایران، شاهنامه، بوده، اما ایرانی‌ها که سال‌ها آثار کوروش یغمایی را دنبال کرده و از طرفداران بی‌شمار او محسوب می‌شوند، نمی‌توانند از آخرین اثرش بهره‌مند شوند. گزارش اختصاصی «شرق» از این آلبوم حکایت از آن دارد که بروشور «ملک جمشید»، با گزارشی به قلم کوروش یغمایی به پیشگاه مردم ایران آغاز می‌شود؛ گزارشی کوتاه اما پر از درد که یغمایی آن را برای نخستین‌بار در اختیار «شرق» قرار داده است. او در این گزارش از دلایل انتشار این آلبوم در فضایی خارج از زادگاهش می‌گوید: «آلبوم ملک جمشید با وجود داشتن مجوز شعر و موسیقی، از آغاز کار دولت پیشین، به شیوه سلیقه‌ای به مدت هشت سال از پخش آن جلوگیری شد و در پی آن در معاونت هنری دولت تازه، پس از گرفتن مجوز شعر و موسیقی برای بار دوم و بازسازی آن در استودیو، تاکنون مدت سه سال است که با بهانه‌گیری‌های گوناگون از پخش آن جلوگیری شده است». یغمایی می‌گوید: «از سوی دیگر، همان‌گونه که معاونت هنری وزارت ارشاد نیز آگاه است، سه سال از درخواست پخش همین آلبوم (ملک جمشید) از سوی کمپانی پژوهشی آمریکایی (Now-Again Records) برای پخش در جهان (به‌جز ایران)، در جایگاه یک آلبوم جهانی با شعر پارسی که برای نخستین‌بار نام ایران را در گستره موسیقی روز جهان مطرح می‌کند، می‌گذرد. از آنجا که من همواره در اندیشه آن بوده‌ام که آثار هنری‌ام، به دست صاحبان اصلی‌اش یعنی مردم ایران برسد، از کمپانی یادشده درخواست کردم برای هم‌زمانی پخش آلبوم در ایران و جهان تا گرفتن مجوز پخش در ایران، کار را به تعویق بیندازد اما سرانجام وقت‌کُشی‌های اداری بدون قید زمان از سوی معاونت هنری، یعنی ارائه‌ندادن هرگونه پاسخ رسمی تاکنون، گریبانگیر این کمپانی آمریکایی هم شد و مدیریت و دست‌اندرکاران آن پس از سه سال انتظار بیهوده، با بهت و حیرت هنوز چشم‌به‌راه صدور مجوز آلبوم در ایران هستند!»

کوروش یغمایی، پیش‌تر به نقل خاطره‌های ساخت و شکل‌گیری آلبوم «ملک جمشید» پرداخته و از مسئولان وقت گله کرده بود که چرا با وجود اخذ مجوزهای لازم، راه را برای انتشار این اثر هموار نمی‌کنند ولی حالا گویی نه او که کمپانی خارجی که قرار بود هم‌زمان با انتشار این اثر در ایران، آن را به صورت جهانی نیز منتشر کند، کاسه صبرش لبریز شده و جمعه (بیست‌ویکم خرداد) را روز رونمایی از این آلبوم عنوان کرده است، چراکه به گفته یغمایی «این اثر در تاریخ موسیقی مدرن پاپ ایران یک اثر بی‌نظیر است که حتی گذشت زمان ۱۱ ساله هم نتوانسته بهانه‌ای برای صرف‌نظر شرکت آمریکایی در انتشار آن شود».

آهنگ‌ساز و خواننده‌ای که موسیقی‌اش مبتنی‌بر راک ایرانی است که شاید بتوان آن را راکِ «سایکدلیک» نامید و در آثارش همیشه جلوه‌های جدال روشنایی و تاریکی که از قدیمی‌ترین ویژگی‌های هنر ایرانی بوده را می‌شنویم، حالا نگاهی به تاریخچه سال‌ها ممنوعیت فعالیتش می‌اندازد و اضافه می‌کند: «هرچند که در ۳۷ سالی که پشت‌سر نهاده‌ایم، ۲۷ سال ممنوعیت‌های گوناگون هنری را با شکیبایی و ایستادگی گذرانده‌ام، اما برپایه وظیفه‌ای ملی و هنری که همواره بر دوش خود احساس می‌کنم، برای ثبت و حفظ این دستاورد مهم فرهنگی که نام ایران را برای نخستین‌بار در رسانه‌های موسیقی روز جهانی مطرح می‌کند، ناگریز و ناگزیر، با پوزش از پیشگاه مردم فرهیخته و گران‌مایه ایران، آلبوم «ملک جمشید» و در پی آن، دیگر آثار موسیقی خود را در خارج از ایران و به شیوه‌ای جهانی منتشر خواهم کرد». انتشار «ملک جمشید» در نوع خود هم غم‌انگیز و هم شادی‌بخش است؛ از یک‌سو، آلبوم کوروش یغمایی بعد از سال‌ها انتظار روانه بازار شده و از سوی دیگر، گویی پدرخوانده موزیک راک ایران از نوع انتشار آن که خارج از سرزمین مادری‌اش است، ناراضی است: «به‌هررو آلبوم ملک جمشید منتشر شد، اما نه آن‌گونه که می‌خواستم در سرزمین و میهنم ایران، بلکه در کشوری دیگر و برای جهانیان. بااین‌همه، با پخش این آلبوم، برای اولین‌بار موزیک مدرن ایران وارد عرصه جهانی شد و حال من آرزویی جز پیروزی و سربلندی برای ایران و هم‌میهنان عزیزم ندارم».

کوروش یغمایی برای اهالی موسیقی دنیا، نام ناآشنایی نیست و استقبال گسترده از آلبوم او، خصوصا با توجه به شرایط انتشارش، از همین حالا قابل‌پیش‌بینی است اما سؤال اینجاست که هم‌وطنان این آهنگ‌ساز و خواننده بزرگ چه زمانی می‌توانند «ملک جمشید» را بشنوند؟ آیا قرار است ممنوعیت غیررسمی فعالیت کوروش یغمایی همچنان ادامه پیدا کند درحالی‌که براساس پژوهش‌ها، او در فهرست معتبرترین موسیقی‌دانان راک جهان قرار گرفته است؟

هفتمین شماره دوهفته نامه اصلاح طلب «روبه‌رو» روی دکه‌های سراسر کشور